

بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران

عالیه شکریگی*

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۰۵)

چکیده: خانواده در دهه‌های اخیر با تغییر و تحولات گسترده‌ای مواجه است. این تغییرات با ورود عناصر مدرن سرعت بیشتری به خود گرفته و مسائلی را در برابر خانواده قرار داده است. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران پرداخته است. در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده و ابزار تحقیق پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری، زوجین ساکن در منطقه ۱ شهر تهران است که از میان آن‌ها به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، جمعیت نمونه انتخاب شده است. از طریق پرسش‌نامه هدایت شده اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با استعانت از نرم افزار (SPSS) پردازش گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیر مستقل) و ظهور طلاق عاطفی، ناسازگاری هویتی، اباحه‌گری عملی، نارضایتی از زندگی زناشویی و ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند رابطه معناداری وجود دارد. نیکویی برازش مدل نظری بر اساس تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر، نشانگر آن است که بر حسب ارزش بتا (β)، در مجموع ۵۹٪ تحولات در روابط زناشویی زوجین ($R^2=0/59$)، بستگی به مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد. **مفاهیم کلیدی:** "شبکه‌های اجتماعی مجازی"، "ظهور تحولات"، "تحولات" در روابط زناشویی زوجین".

مقدمه

در جوامع امروزی، زندگی خانوادگی در فضایی نه چندان خصوصی به وجود می‌آید. بسیاری از مسائل و مشکلات خانوادگی در رسانه‌های جمعی مطرح می‌شوند و در مورد عملکردهای گوناگون خانواده مباحثی جدی صورت می‌گیرد (چیل، ۱۳۸۸: ۲۷۲). نهاد خانواده به موجب مؤلفه‌های نوسازی، دچار تغییرات مهمی شده و این تغییرات، مسائلی را در برابر خانواده قرار داده است. در جریان این تحولات، ساختار، کارکرد و ارزش‌های نهاد خانواده با تغییر و تحولاتی وسیع همراه بوده است. با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی در خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و موجب شده تا شاهد تغییراتی در رفتار و گفتار نسل جوان باشیم. از جمله این وسایل دسترسی آسان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ است. در سال‌های اخیر، "شبکه‌های اجتماعی مجازی" با سرعتی بی‌نظیر گسترش یافته‌اند. پایگاه‌های مجازی: مای اسپیس (MySpace)، فیس بوک (FaceBook)، فایوهای (5hi)، فرندستر (Friendster)، یوتیوب (YouTube)، فلیکر (Flickr)، اورکات (Orkut) و تویتر (Twitter)، مشهورترین این شبکه‌ها هستند که فضایی جذاب را برای ارتباط شبکه‌ای در فضای مجازی میان کاربران اینترنت و عمدتاً از نسل جوان، فراهم آورده و در مدت زمانی کوتاه، به سرعت رشد کرده‌اند.

طبق آمار به دست آمده در سایت آمار جهانی اینترنت^۲ (۲۰۱۲) در ماه دسامبر ۲۰۱۱، ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۴۷،۴ درصد برآورد شده است که آن را در میان کشورهای خاورمیانه در رتبه اول قرار داد. همین آمار تعداد کاربران اینترنت در ایران را ۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر قلمداد می‌کند. این در حالی است که طبق آمار به دست آمده در ماه ژوئن ۲۰۰۸، ضریب نفوذ اینترنت در ایران حدود ۳۴،۹ درصد برآورد شده بود که آن را در خاورمیانه در رتبه چهارم قرار می‌داد و تعداد کاربران اینترنت در ایران را نیز ۲۳ میلیون نفر گزارش کرده است (رنجبر، ۱۳۸۸: ۵).

بر این اساس با توجه به فراگیر شدن اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان ابزارهای نوین ارتباطی و نرم افزارهای ارتباطات اینترنتی نیز روز به روز کاربرد بیشتری در بین مردم پیدا کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی در دنیای کنونی محبوبیت زیادی یافته‌اند به گونه‌ای که اعضایش با خویشاوندان، دوستان، همکاران و حتی افراد ناشناس رابطه برقرار می‌کنند. به عبارتی دیگر، این شبکه‌ها به درون خانواده‌ها و زندگی خصوصی کاربران راه یافته است. از این رو بسیاری از مناسبات انسانی افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. یافته‌های پژوهش‌های اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که جوانان بیشترین و مهم‌ترین کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران هستند. استفاده

1. virtual social networks

2. www.internetwordstats.com

از شبکه‌های اجتماعی نه تنها مهم‌ترین فعالیت آنان در اوقات فراغت به حساب می‌آید بلکه بیشتر جوانان وقت قابل توجهی را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی اختصاص می‌دهند. آمارهای متعدد موجود از تعداد کاربران اینترنت در ایران و ایرانیانی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند فیس‌بوک، تلگرام و ... عضویت یافته‌اند، نمایانگر گستره حضور خیره‌کننده رسانه‌های اجتماعی در میان جامعه ایرانی است (برزگران، ۱۳۹۳: ۱۳).

با توجه به رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده روزافزون از این فن‌آوری جدید، شاهد ورود عناصر فرهنگی جدیدی در میان خانواده‌ها و حریم خصوصی آن‌ها هستیم که باعث پیدایش سلیقه‌ها، نگرش‌ها و باورهای متفاوتی در میان آن‌ها شده است. بر این اساس، این پژوهش با هدف بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران انجام شده است. در این راستا از یک سو به بررسی میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی در بین زوجین پرداخته و از سوی دیگر به بررسی تغییراتی که گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی زناشویی زوجین ایجاد کرده است، پرداخته می‌شود. به این ترتیب این پژوهش بر مبنای تحقیق میدانی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی چه تغییراتی را در زندگی زناشویی زوجین ایجاد کرده است؟

بر مبنای مسأله اصلی پژوهش، شناخت تغییرات خانواده و عواملی که سبب تغییر و تحولات خانواده شده‌اند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به طوری که مبانی نظری و تجربی پژوهش نیز بیانگر این امر است که تغییر و تحولات خانواده امروزه دیگر مسأله‌ای منحصر به جامعه یا جوامعی خاص نیست، بلکه مسأله‌ای است که دیر یا زود، همه جوامع با آن روبه‌رو خواهند شد. همان‌گونه که گیدنز اشاره می‌کند، مسأله‌ای جهانی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۴). این واقعیت محض را همه احساس و درک می‌کنند که نهاد خانواده جامعه شهری امروز ایران به ویژه شهر تهران در حال تغییر است. آمارهای رسمی نشان از درگیری بیش از پیش خانواده‌ها با تکنولوژی‌های ارتباطی در ایران دارند به نحوی که در دور افتاده‌ترین نقاط ایران هم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی امری بدیهی به حساب می‌آید اما تفاوتی که مصرف رسانه‌های کلان‌شهرها با سایر نقاط دارد در میزان زمانی است که افراد به استفاده از این رسانه‌ها اختصاص می‌دهند و نیز اموری که تنها از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت یا موبایل میسر می‌گردد. امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن ساعتی از وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نکند و رفتار و افکارشان تحت تأثیر آن قرار نگیرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی بخش اعظم زمان زوجین جوان را به خود اختصاص داده و به دلیل گستردگی و ناشناخته ماندن آن آسیب‌های اجتماعی چندی را بر خانواده‌ها وارد کرده است.

با توجه به مطالبی که ذکر گردید پژوهش حاضر به دنبال شناخت تحولاتی است که ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌ها و روابط زناشویی زوجین ایجاد کرده است و مطالعه این تحولات به دلیل تأثیر مهمی که این نهاد بر ساختارها و نهادهای دیگر جامعه می‌گذارد، امروزه اهمیت روزافزونی یافته است. نقش نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین عنصر جامعه نه تنها در متون اسلامی بلکه در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های علمی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا مورد تأکید قرار گرفته است. خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای ایجاد و رشد بسیاری از ارزش‌هاست، و از سوی دیگر، بسیاری از مشکلات و آسیب‌های جامعه نیز به کنش و کارکرد این نهاد وابسته است. بی‌شک خانواده می‌تواند هم زمینه‌ساز و هم قوی‌ترین عامل پیشگیری آسیب‌های اجتماعی باشد. این در حالی است که در سال‌های اخیر آمارهای رسمی کشور موجب نگرانی در بعضی از متغیرهای مربوط به این نهاد شده و توجه صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران امور اجرایی و اجتماعی و آحاد جامعه را بیش از گذشته ضروری ساخته است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. دلیل انتخاب منطقه ۱ شهر تهران این است که در جریان مدرن شدن^۱ جامعه و اشاعه ارزش‌های مدرن^۲، خانواده دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و در این جریان منطقه ۱ شهر تهران به لحاظ شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده است. به طوری که آمارها حاکی از آن است که منطقه مورد مطالعه در دوران معاصر تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، مسأله تغییرات جاری در خانواده در شهر تهران مد نظر است و انتخاب منطقه ۱ شهر تهران به عنوان جامعه آماری پژوهش به چند دلیل است: ترکیب خاص جمعیتی این منطقه که التقاطی از انواع جمعیت‌ها با فرهنگ‌های مختلف است و میدان مناسبی را برای انجام مطالعه یاد شده فراهم می‌آورد؛ سوابق تحقیقاتی محقق در این منطقه؛ آشنایی نسبی با شرایط اجتماعی و فرهنگی آن و از همه مهمتر تناسب موضوعی مسأله تغییرات جاری در خانواده با ویژگی‌ها و مسائل خانواده‌های منطقه ۱ تهران (با استناد به آمار طلاق و مشکلات زناشویی در این منطقه). از سوی دیگر نگاهی به برنامه‌های نهادهای اجتماعی در منطقه مورد مطالعه بیانگر آن است که مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی بالاخص در حوزه خانواده یکی از وظایف مدیران بخش‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه و مدیران محلات منطقه ۱ شهر تهران می‌باشد.

در قالب این هدف اصلی، اهداف اختصاصی ذیل نیز دنبال می‌شود:

1. Modernization
2. Modern values

- ۱- سنجش متغیر وابسته (ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران).
- ۲- سنجش متغیرهای مستقل (گرایش زوجین منطقه ۱ شهر تهران به مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی).
- ۳- شناسایی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن و مدت ازدواج، تحصیلات) و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران؛
- ۴- ارائه راهکارهایی جهت مدیریت تغییر و تحولات در حوزه خانواده؛

بررسی پیشینه

بررسی پیشینه تحقیق امری مهم است و از مرور این پژوهش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی به مواردی چون اعتیاد اینترنتی، انزوای اجتماعی، درونگرایی، برقرار نکردن رابطه صحیح در تعامل‌های اجتماعی، اختلالات خانوادگی، فردگرایی، کاهش ارتباط‌های خانوادگی، کم‌رنگ شدن هویت ملی و دینی، جذب در فرهنگ بیگانه، بی‌تفاوتی اخلاقی، کاهش فعالیت‌های مشارکتی و ... اشاره شده است. با وجود این، اگرچه بعضی از پژوهش‌ها به نقش مثبت شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز اشاره کرده‌اند، بیشتر محققان به ویژه در ایران با نظری منفی و با سوگیری ارزشی به شبکه‌های اجتماعی مجازی نگاه کرده‌اند و به عبارتی نوعی رویکرد آسیب‌شناختی از این فن‌آوری ارائه کرده‌اند. در ذیل به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود.

خواجه نوری (۱۳۸۶) در رساله دکتری خویش با عنوان "رابطه جهانی شدن و تصمیم‌گیری در خانواده: مورد مطالعه زنان متأهل شهرهای تهران، شیراز و استهبان"، در دانشگاه شیراز به راهنمایی دکتر لهسایی‌زاده به بررسی تغییرات مهم منتج از جهانی شدن در حوزه تصمیم‌گیری زنان پرداخته است. این بررسی بر روی نمونه‌ای از زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان با بهره‌گیری از روش پیمایشی و پرسش‌نامه‌ای نشان داده که استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی- ارتباطی نزدیک به ۳۲ درصد متغیر تصمیم‌گیری در خانواده را تبیین می‌کند. متغیرهای این تحقیق عبارتند از متغیر گفت‌وگو در خانواده، احترام به قوانین و مقررات مربوط به زنان در خانواده، نقش جنسیتی به مثابه متغیرهای وابسته به میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی به عنوان متغیر مستقل، با نمونه‌ای ۱۲۲۳ نفری اجرا شده است.

محمد پور و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "سنت، نوسازی و خانواده" به مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی پرداخته‌اند. در این پژوهش نویسنده به واکاوی فرآیند نوسازی و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر نهاد خانواده در بستر اجتماع ایلی و درک و تفسیر مردمان آن از اشکال سنتی و مدرن خانواده، ابعاد و عوامل زمینه‌ساز تغییرات خانواده پرداخته است. روش مورد استفاده، روش تحقیق ترکیبی هم‌زمان- زاویه‌بندی است

که شامل دو روش کمی - کیفی، دو جهت‌گیری نظری اثباتی - تفسیری، دو نوع داده کمی - کیفی و بیش از یک محقق است. نتایج بررسی نشان می‌دهند که خانواده در بین ایلات مذکور، هم از لحاظ ساختاری - کارکردی و هم از نظر معنایی - تفسیری در معرض تغییر بوده است. یافته‌های کمی مطالعه نشان می‌دهد که سه مؤلفه نوسازی یعنی شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی بر افول ابعاد سنتی خانواده و پیدایش شکل مدرن آن مؤثر بوده‌اند. یافته‌های کیفی مطالعه نیز که در قالب یک مدل زمینه‌ای ارائه شده است ضمن تأیید نتایج بخش کمی، بیانگر آن است که افراد جامعه مورد مطالعه نسبت به منابع این تغییرات و پیامدهای آن به طور بازاندیشانه‌ای آگاه و از حساسیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

همچنین یافته‌های پژوهش عدلی‌پور (۱۳۹۱) در رساله کارشناسی ارشد (که به بررسی تأثیرات و پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان پرداخته) خود حاکی از آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک پدیده نوظهور هم دارای آثار مثبت و هم آثار منفی می‌باشند. آثار منفی آن شامل: تکه پاره گشتن سریع جوامع، دگرگونی مفاهیم مکان، زمان، فضا و منابع فرهنگی، به چالش کشیده شدن هویت‌های اصیل و سنتی، رواج هویت‌های سیال و ناپایدار، گمنامی و ناشناس ماندن و سرقت هویت است. علی‌رغم این نکات منفی که این پدیده به همراه دارد نمی‌توان از آثار مثبت آن نیز غافل ماند. افزایش منابع هویتی و آزادی عمل افراد برای کسب منابع مورد نیاز، رهایی و آزادی افراد از چنگال عوامل و متولیان فرا فردی هویت‌سازی، فراهم آمدن واقعیت به گونه‌ای مجازی و غیره از آثار مثبت این پدیده هستند که اگر از آن‌ها استفاده درستی به عمل آید، باعث رشد و پویایی هویت اجتماعی در میان افراد جامعه خواهد گشت. وی همچنین در پژوهش خود هم راستا با تحقیقات رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷)، عباسی قادی (۱۳۹۰)، مهدی زاده و عنبرین (۱۳۸۷) و احمدپور و قادرزاده (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی عاملی تأثیرگذار بر هویت اجتماعی جوانان هستند و با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در این شبکه‌ها هویت ملی و دینی کاربران تضعیف می‌شود.

و اما در بررسی تحقیقات خارجی، یکی از پژوهش‌های معروفی که به رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی پرداخته است، نظرسنجی است که با عنوان نظرسنجی ۲۰۰۰ شهرت دارد. نظرسنجی ۲۰۰۰ توسط انجمن ملی جغرافیا از سپتامبر تا نوامبر ۱۹۹۸ برای اعضای پایگاه اینترنتی این انجمن که خود نوعی شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دادند، قابل دسترس بود. نتایج نظرسنجی ۲۰۰۰ بیانگر این مطلب است که افرادی که مدت طولانی‌تری در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند، به انواع بیشتری از فعالیت‌های اینترنتی پرداخته‌اند و رفته رفته میزان حضورشان در فضای وب بیشتر شده و فعالیت‌های آن‌ها در اجتماع غیرمجازی کمتر می‌شود و در حقیقت،

شبکه‌های اجتماعی به موضوعی محوری در ساخت و بازسازی شیوه زندگی و فعالیت‌های مختلف اجتماع کاربران تبدیل می‌شود (ولمن و کوان هاس، ۲۰۰۸).

پالما کینیر (۲۰۰۴) در کتابش به بحث پیرامون تغییرات خانواده معاصر می‌پردازد و خانواده‌های جدید برای زمان‌های جدید به این نکته اشاره می‌کند که اوضاع جدید نمایانگر سقوط اخلاقی نیست، بلکه کوشش‌هایی بر ساخت گرایانه از سوی مردم است، بدان منظور که بتوانند خانواده‌هایی را پایه‌ریزی کنند که در دنیای پیچیده پست مدرن به حیات خود ادامه دهد. وی بر وجود نگرشی تاریخی در مطالعه دگرگونی‌های خانواده تأکید می‌کند و معتقد است که این دگرگونی‌ها نتیجه تغییرات عمیق‌تر جامعه هستند. فالوز (۲۰۰۴) در پیمایشی به بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی در امریکا پرداخته است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که ۸۸ درصد کاربران اینترنتی در امریکا مدعی هستند که اینترنت در زندگی روزمره آن‌ها نقش دارد. از این افراد، یک سوم آن‌ها می‌گویند که اینترنت نقش اصلی را در زندگی آن‌ها دارد و جستجوی اطلاعات در این دنیا از فعالیت‌های اصلی آنهاست. ۶۶ درصد آنها ابراز داشتند که اگر اینترنت از زندگی روزمره آن‌ها حذف شود، بسیاری از فعالیت‌های آن‌ها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت، ۵۳ درصد از آنها مدعی شده‌اند که بیشتر فعالیت‌های خود را به این دلیل انجام می‌دهند که می‌توانند آن‌ها را از طریق اینترنت انجام دهند و ۸ درصد آن‌ها به دنبال پاسخی برای سوال‌های خود از اینترنت هستند.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق باید گفت حلقه مفقوده‌ای که در اغلب مطالعات انجام گرفته در این حوزه مشهود است، تا حد زیادی در ضعف نظری این تحقیقات ریشه دارد. به عبارت بهتر، رویکردهای نظری به کار گرفته شده در این مطالعات توان کافی برای تبیین تغییرات خانواده، به‌عنوان پدیده چند بعدی و پیچیده را نداشته و لذا لزوم تبیین درست نظری و ارائه مدلی کارآمد در زمینه تغییرات جاری در حوزه خانواده ضروری است. در این تحقیق نگارنده ضمن در نظر گرفتن این ضعف، عمده تغییرات در روابط زناشویی زوجین را با تلفیق نظریه‌های سطوح خرد، میانه و کلان حوزه جامعه‌شناسی خانواده تا حدودی جبران کرده است تا در فهم تغییر و تحولات خانواده و زمینه‌های اجتماعی بروز آن‌ها کار مؤثری انجام دهد. از سوی دیگر همان‌گونه که اشاره گردید اغلب تحقیقات انجام شده با پیش فرض و نگاه آسیب‌شناختی به مطالعه رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات در حوزه خانواده پرداخته‌اند و این بیانگر این است که دچار نوعی تقلیل‌گرایی در تحقیقات انجام شده در این حوزه هستیم. پژوهش حاضر، علاوه بر توجه به جنبه‌های آسیب‌شناختی گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی، منشاء آسیب‌های اجتماعی را به استفاده از فضای مجازی تقلیل نداده بلکه مفروض محقق این است که فضای مجازی تا چه اندازه در تسریع و شتاب تغییر و تحولات مؤثر می‌باشد و با این پیش فرض سعی شده است با تکیه بر رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی، ابتدا مهم‌ترین تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین زوجین

را که با ابعاد پنج گانه مشخص شده‌اند مورد بررسی قرار داده و سپس مدلی مناسب و در عین حال متفاوت برای تبیین رابطه گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در حوزه خانواده فراهم آورد. البته ذکر این نکته ضروری است که تغییر و تحولات خانواده و در حوزه روابط زناشویی زوجین یک مسأله پیچیده و چند بعدی است و این پژوهش مدعی آن نیست که همه آن تحولات را سنجش کرده است بلکه زمینه‌ای را برای پژوهشگران حوزه خانواده قرار داده تا سایر ابعاد تغییر و تحولات خانواده را در روابط زناشویی زوجین مورد بررسی قرار دهند. درباره نظریه‌های تبیین کننده متغیرهای مستقل اصلی (استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی)، می‌توان گفت: مانوئل کاستلز^۱ جامعه کنونی را تحت عنوان جامعه شبکه‌ای می‌نامد؛ یعنی جامعه‌ای که تمامی عناصر آن به واسطه تکنولوژی اطلاعاتی در هم تنیده‌اند. در چنین جامعه‌ای دگرگونی‌های عظیمی در حوزه هویت و فرهنگ پدیدار شده یا در حال ظهور است. از یک طرف فرهنگ مدرن - غالباً غربی - در حال گسترش به سراسر جهان و بسط هژمونی خود است و از سوی دیگر، در برابر هژمونی این فرهنگ مدرن، در حوزه‌های دینی، فرهنگی، ملی، قومی و محلی مقاومت‌هایی در سراسر جهان حتی در بخش‌هایی از جهان توسعه‌یافته پدیدار شده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷).

به اعتقاد کاستلز جامعه شبکه‌ای تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته و در چنین جامعه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگر هستند تا ساختار اجتماعی را بهبود بخشند (کاستلز، ۲۰۰۷). به عقیده کاستلز شبکه‌ای شدن جامعه امروز معنای همه چیز و هر چیزی را مورد بازاندیشی قرار داده و مفاهیم تازه‌ای را ایجاد کرده است. اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و حتی مفاهیم عام‌تری همچون مکان و زمان در این فرآیند دگرگون شده یا همچنان در حال دگرگونی هستند و معانی و تعاریف نو و جدیدی به خود گرفته‌اند (عاملی، ۱۳۸۸: ۴). نظریه جامعه شبکه‌ای تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی را بر همه ابعاد زندگی نشان داده و مطرح می‌کند که چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییر سبک زندگی افراد می‌شوند.

به عقیده ژان بودریار^۲ رسانه‌ها نقشی حساس در مخدوش کردن مرز میان خیال و واقعیت ایفا می‌کنند. وی می‌گوید که ما امروزه در جامعه‌ای سرشار از نشانه‌ها زندگی می‌کنیم. او برخلاف نشانه‌شناسان و ساختارگرایان، اعتقاد ندارد که این نشانه‌ها معنای ضمنی دیگری جزء معانی صریح خود داشته باشند. رسانه‌های پست مدرن از ملغمه‌ای از تصاویر مختلف تشکیل شده است که نظم مشخصی ندارند تا حرف خاصی بزنند یا موضوع ویژه‌ای بگیرند و رسانه‌ها آن نقشی میانجی بین این یا آن واقعیت، بین یک حالت از واقعیت و حالت دیگر از آنرا از دست داده است و سطح و سبک به

1. Manuel Castells
2. J. Baudrillard

مهمترین جنبه‌های تعریف‌کننده رسانه‌های جمعی بدل شده‌اند و جای محتوا، بحث و مفاهیم را سرگرمی و سطحی بودن گرفته است. به نظر وی همچنان‌که رسانه‌ها و پیام‌های آن نیز متکثر شده‌اند، هویت و خودشناسی‌های افراد نیز روشن و منسجم نیست و هویت فردی یک بنیاد اجتماعی متشکل از عناصر متفاوت و گاه متضاد است و فردیت محصول طبقه، جنس، نژاد، قومیت، ملیت، سن و عوامل دیگر است و لاجرم هویت آن نه یگانه است و نه تغییرناپذیر، بلکه برعکس چندگانه و متکثر است (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۷۹-۷۶). بنابراین نظریه بودریار نیز در چهارچوب مخاطبان منفعل قرار می‌گیرد. بر طبق نظریه وی کاربران شبکه‌های اجتماعی اینترنتی منفعلانه در برابر هنجارها و فرهنگ این نوع رسانه‌ها رفتار می‌کنند. آن‌ها قدرت آن را ندارند از میان آن همه پیام‌های مندرج در شبکه‌های مذکور دست به‌گزینش بزنند.

تامپسون^۱ معتقد است استفاده از رسانه‌های ارتباطی، سازمان‌های مکانی و زمانی اجتماعی را به طریقی بنیادین دگرگون کرده است و اشکال تازه‌ای از عمل و تعامل و شیوه‌های جدیدی از اعمال قدرت می‌آفریند که دیگر پیوندی با سهیم‌شدن در یک محل مشترک ندارند (تامپسون، ۱۳۸۰: ۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی سه موقعیت تعاملی مورد نظر تامپسون "تعامل چهره به چهره، تعامل رسانه‌ای و شبه تعامل رسانه‌ای" (همان: ۱۰۳) را تغییر داده است. در فضای مجازی به تعبیر تامپسون تعاملات واسطه‌ای و شبه تعاملات واسطه‌ای، جایگزین تعاملات چهره به چهره می‌شود. ظهور اجتماعات مجازی باعث اضمحلال و زوال اجتماعات واقعی خواهد شد. اجتماعی حقیقی تغییر شکل داده و جای خود را به نوع تازه‌ای از زیست خواهند بخشید (همان، ۱۰۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی به عقیده تامپسون به عنوان بستری که در آن کنشگران با هویت‌های مختلف با هم در تعامل هستند، مهم‌ترین تغییرات را در حوزه نگرش و الگوهای ذهنی افراد ایجاد می‌کند. پاتنام نیز تغییرات و رشد روز افزون تکنولوژی و فناوری رسانه‌ها، به ویژه افزایش سرگرمی‌های تلویزیون را به عنوان منبع اصلی تن‌آسایی می‌داند. وی رسانه‌های اجتماعی را مجرم اصلی در انزوای تدریجی مردم و تحلیل سرمایه اجتماعی می‌داند که موجب قطع جریان اجتماع می‌شود. به عقیده وی فناوری نقش اساسی در خصوصی شدن فزاینده تجربه دارد، که به سهم خود به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان منجر می‌شود. جامعه‌ای که در آن حفظ روابط سنتی و خانوادگی بسیار دشوار است، روابط انسان‌ها متزلزل می‌شود. این امر به صورت فزاینده‌ای در میان نسل جوان رو به رشد است (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳: ۴۳۶).

1. Thompson

در نهایت نظریه کاشت یا پرورش^۱ جرج گربنر^۲، بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. در واقع نظریه پرورش با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورد استفاده از رسانه‌ها، میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به ساز و کار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۱). اگرچه تحقیق گربنر، بیشتر در حوزه تأثیرات رسانه‌ای همچون تلویزیون است ولی این نظریه قابلیت استفاده آن را در مورد شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز دارا است. بر طبق این نظریه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی می‌خواهند نحوه نگرش خاصی را در کاربران درازمدت بکارند و کسانی که به‌صورت طولانی در این شبکه‌های حضور و فعالیت دارند ممکن است تحت تأثیر فرهنگ یکسان‌ساز و ایدئولوژیک آن قرار بگیرند که نتیجه آن القای نگرش خاصی در مورد فرهنگ و جهان بینی می‌باشد. براساس نظریه کاشت می‌توان گفت هر چه میزان استفاده و مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، احتمال تأثیرپذیری کاربر بیشتر است. بر عکس هر چه میزان، مدت زمان استفاده و مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی کاهش یابد احتمال تأثیرپذیری وی کمتر خواهد بود.

نظریه‌های تبیین‌کننده متغیر وابسته (ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین)، در این ارتباط، آنتونی گیدنز^۳ از جمله صاحب‌نظرانی است که مباحث نظری فراوانی را در باب تحول، دگرگونی، تغییر شکل، و تنوع اشکال خانواده در عصر مدرن مطرح نموده است. گیدنز درباره تحول خانواده در دوره جدید معتقد است که "امروزه در کشورهای غربی و به طور فزاینده‌ای در کشورهای دیگر جهان، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیشتر بر اساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل گرفته است؛ درحالی که در گذشته، خانواده، قبل از هر چیز، یک واحد اقتصادی بوده و پیوندها در زندگی خانوادگی بیشتر از هر چیز به علل اقتصادی و گاهی دلایل استراتژیک شکل می‌گرفته است" (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۳). به اعتقاد وی، امروزه، نقش‌های تعریف شده در خانواده سنتی تغییر کرده و خانواده دیگر نهادی شفاف با نقش‌های ثابت زن و مرد تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر، خانواده جدید یک واحد تولیدی محسوب نمی‌شود، بلکه واحدی مصرفی است که هزینه‌های سنگین پرورش فرزندان، تصمیم‌گیری درباره داشتن فرزند را بسیار حساس و

-
1. Cultivation Theory
 2. George Graebner
 3. Anthony Giddens

پیچیده کرده است. همچنین تغییر در ساختار قدرت و افقی شدن این هرم، ساختار جدیدی به خانواده‌ها بخشیده که راه آن را از خانواده سنتی جدا می‌سازد (همان، ۹۸-۹۶). از دیدگاه گیدنز، روابط اجتماعی تحت تأثیر مدرنیته قرار دارند و تأثیر مدرنیته بر هر نوع رابطه‌ای، مانند پیوندهای خویشاوندی، روابط شخصی و عناصری از این دست غیر قابل انکار است. به باور وی، در دوران جدید پیوندهای خویشاوندی تحلیل رفته و "این‌که انواع خاصی از پیوندهای خانوادگی در برخی از محیط‌های جوامع مدرن نیرومند باقی مانده‌اند نمی‌توانند به معنای این باشد که خویشاوندی هنوز همان نقشی را ایفا می‌کند که زمانی در تنظیم زندگی روزانه اکثریت مردم بازی می‌کرد". مکان و پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط صمیمانه را فراهم کنند (لبیبی به نقل از گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۸۵). رویکرد نوسازی با الهام از نسخه غربی توسعه و ترقی، بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی‌شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تأکید دارد و این که با ورود آن‌ها به هر جامعه سنتی، تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شود (محمد پور، ۱۳۸۶). تغییرات ساختاری عمدتاً از طریق نشان‌گرهای نوسازی یعنی رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل و نقل و ارتباطات و اشکال متعدد تکنولوژی‌های جدید تبیین می‌شود (Jayakody & et al, 2007: 4). از این رو تئوری نوسازی در تبیین تغییرات ساختاری خانواده بر تغییر منظومه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأکید دارد. در همین راستا ویلیام گود (۱۹۶۳) با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است که فرآیند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رویکرد نوسازی^۱ در بحث تغییرات خانواده بر این باور است که نهاد خانواده تحت تأثیر عناصر نوسازی، هم از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ کارکردی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. در جریان فرآیند نوسازی، ارزش‌های سنتی خانواده کم رنگ‌تر می‌شوند. پس تجدد در اصل نوعی نظم اجتماعی است که نظام کنش اجتماعی را از حیطه نفوذ احکام یا تکالیف و کردارهای از پیش تعیین شده دور می‌کند. به تعبیر گیدنز، جامعه مدرن، جامعه‌ای است که از هژمونی گذشته و زمینه‌های محلی کنش به نوعی تهی شده است؛ و درهائش را به روی آینده‌ای مسأل‌زا و ابهام‌آلوده گشوده است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

1. Modernization approach

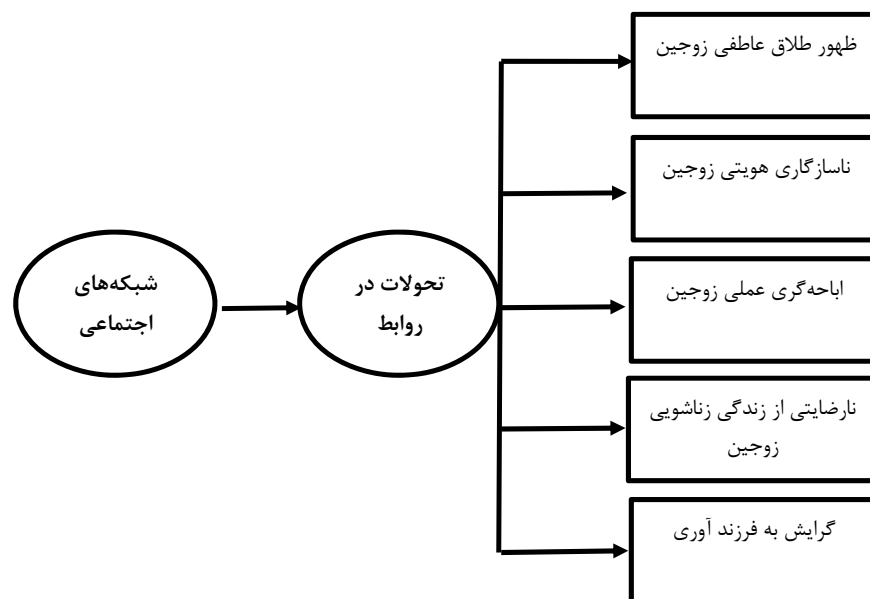
از دیدگاه نظریه مبادله اجتماعی^۱ نای روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله منجر می‌گردد و در نهایت به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌شود. برای مثال زمانی که هر یک از زوجین، هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی نمایند این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد (به نقل از ریاحی، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۵).

بدین ترتیب بر اساس این نظریه می‌توان گفت هر چه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد.

دیوید چیل در بحث از تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر خانواده بر ارزش‌های خاصی تمرکز می‌کند که آن‌ها را عوامل مهم و تأثیرگذار ناشی از مدرن شدن می‌نامد. وی در کتاب "خانواده‌ها در دنیای امروز"^۲ با بررسی وضعیت خانواده‌های امروزی در نقاط مختلف جهان سعی می‌کند تصویر جامع و منحصر به فرد از خانواده و روابط حاکم بر آن ارائه نماید. در دنیای امروز ارائه تعریفی روشن از مفهوم خانواده دشوار به نظر می‌رسد چرا که انواع گوناگونی از خانواده در حال شکل‌گیری است که تاکنون سابقه نداشته است. روند عقلانی‌شدن زندگی و رشد فزاینده‌ی فردگرایی صور نوینی از زندگی خانوادگی را به وجود آورده است (چیل، ۱۳۸۸: ۱۷). چیل بر این نظر است که در دنیای امروز ما با ظهور خانواده از نوع جدید آن مواجهیم چرا که افراد احساس ناامنی کرده و سعی می‌کنند به جای زندگی در یک خانواده به صورت خانواده‌هایی مستقل اما در نزدیکی یکدیگر زندگی کنند (همان، ۲۵).

-
1. Social exchange
 2. Families

مدل نظری "رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین"



فرضیه‌های پژوهش

دو متغیره

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی زوجین رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناسازگاری هویتی زوجین به تعهدات زناشویی رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی زوجین رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین رابطه معناداری وجود داشته باشد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به فرزند آوری زوجین رابطه معناداری وجود داشته باشد.

فرضیه چند متغیره

به نظر می‌رسد متغیرهای مستقل زمینه‌ای: (سن و مدت ازدواج) و متغیرهای مستقل اصلی: میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلگرام، اینستاگرام، لاین، تانگو، وایپر، فیسبوک، واتس‌آپ، گوگل پلاس، بی‌تالک، ایمو، اسکایپ)، بر متغیر وابسته: ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران (طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین، ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند)، تأثیر معناداری داشته باشند.

روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. همچنین در بخش‌های نظری تحقیق از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است. طرح پژوهش در این پژوهش، مطالعه مقطعی انبوه می‌باشد. لذا به دلیل نوع روش مطالعه و تنوع و تعدد متغیرهای پژوهش و نیز به عنوان مهم‌ترین تکنیک در گردآوری داده‌ها، از تکنیک مصاحبه کتبی یا پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت در قالب روش میدانی یعنی مشاهده مستقیم پنهانگر استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زوجین (زن و شوهر) منطقه ۱ شهر تهران می‌باشند که بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ تعدادشان ۱۱۲۹۸۶ نفر برآورد شده است. به منظور تعیین حجم نمونه مناسب و با عنایت به جمعیت آماری تحقیق (۱۱۲۹۸۶ نفر) و نیز برآورد حجم نمونه به روش کوکران نمونه‌ای (۳۸۳ نفر) با کمتر از ۵٪ خطا و ۹۵٪ اطمینان مورد تخمین قرار گرفت.

محاسبات انجام شده با شرایط زیر صورت گرفته است:

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N(d)^2 + t^2.pq} = \frac{112986(1/96)^2.(0/5)(0/5)}{112986(5\%)^2 + (1/96)^2.(0/5)(0/5)} = 383$$

روش نمونه‌گیری تلفیقی از نمونه‌گیری‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای است. در این نوع نمونه‌گیری با توجه به انجام مصاحبه با ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) زوجین منطقه ۱ شهر تهران، ابتدا فهرستی از محله‌های موجود در خوشه‌ها به کمک نقشه شهری تهیه گردید، سپس از خوشه‌ها نمونه‌گیری شده و متعاقباً از واحدهای درون این خوشه‌ها با شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نمونه‌ها انتخاب شد. در این تحقیق با ۱۰۶ نفر در خوشه جنوب شرقی (۵۳ زن و ۵۳ مرد)، ۹۰ نفر در خوشه جنوب غربی (۴۵ زن و ۴۵ مرد)، ۱۱۲ نفر در خوشه شمال شرقی (۵۶ زن و ۵۶ مرد)، ۹۲ نفر در خوشه شمال غربی (۵۱ زن و ۵۱ مرد) و در نهایت با ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) در

منطقه ۱ شهر تهران مصاحبه شده است. در باره تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش، ابتدا به متغیر مستقل (تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی) اشاره می‌کنیم: تعریف مفهومی: برای اینکه تعریف دقیقی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ارائه دهیم لازم است ابتدا به تعریف مفاهیم شبکه و اینترنت بپردازیم؛ چون از یک سو شبکه، نقش بنیادی در توصیف جامعه در عصر اطلاعات ایفا می‌کند و از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی، صورت‌های تکامل یافته اینترنت است که از درون آن پدیدار شده است. "شبکه، مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گروه‌های به هم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. این که نقطه اتصال چه چیزی است، مشخصاً به نوع شبکه‌های مورد نظر بستگی دارد". برای مثال، سیستم‌های تلویزیونی، استودیوهای تولید سرگرمی، مراکز گرافیک رایانه‌ای، گروه‌های خبری و دستگاه‌های متحرک تولید، ارسال و دریافت علائم شبکه جهانی رسانه‌های جدید هستند که کانون بیان فرهنگی و افکار عمومی در عصر اطلاعات می‌باشند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۴۴). تعاریف دیگری نیز از شبکه‌های اجتماعی مجازی ارائه شده است: طبق تعریفی، شبکه‌های اجتماعی مجازی گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیش‌ترین شباهت را به جامعه انسانی داشته و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد دیگر (کاتز و اسپدن، ۱۹۹۷)، فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می‌دهند (کراوت و دیگران، ۲۰۰۱: ۲).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش برای سنجش شبکه‌های اجتماعی مجازی از سه شاخص استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، متوسط زمانی که در شبانه روز صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌شود و نوع استفاده‌ای از شبکه‌های اجتماعی مجازی سنجیده می‌شود.

متغیر وابسته (تحولات در روابط زناشویی زوجین)

تحولات در روابط زناشویی زوجین در ۵ بعد سنجش و بررسی شده است که عبارتند از: طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین، ظهور خانواده‌های کم/بدون فرزند. در ادامه به تعریف نظری و عملیاتی آن‌ها پرداخته می‌شود.

طلاق عاطفی زوجین

تعریف مفهومی: طلاق از نظر لغوی به معنای رهاشدن و در اصطلاح، پایان دادن به زندگی زناشویی است، اما طلاق همیشه طلاق قانونی به معنای شکستن قراردادهای رسمی زندگی مشترک براساس مقررات و آیین نامه‌های قانونی نیست؛ بلکه نوع دیگری از طلاق نیز وجود دارد که اگرچه زن و شوهر با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، هیچ مهر و محبت و عاطفه‌ای بین آن‌ها حاکم

نیست. تنها چیزی که زوجین را به هم متصل می‌کند، قرارداد اولیه است، اما پس از گذشت چند ماه یا چند سال، رابطه شیرین و گرم به خاموشی گراییده است. در طلاق عاطفی، جذابیت‌ها، کشش‌ها و عواطف مثبت رنگ باخته‌اند و تیرگی‌ها، تنش‌ها و ناسازگاری‌ها نمود یافته‌اند (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

در تعریف دیگر می‌توان گفت، نوعی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند، طلاق عاطفی اطلاق می‌شود (استیل و کید، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش طلاق عاطفی زوجین با شاخص‌های زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

- کاهش اعتماد به یکدیگر و بروز احساس شک و بدبینی نسبت به هم
- نبود احساس مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر و انزوای طلبی
- کاهش همیاری و مشارکت در خانواده
- نداشتن احساس مثبت به یکدیگر و بروز احساس تنهایی
- دشمنی و کینه‌توزی نسبت به یکدیگر و به عبارتی بروز خشونت خانوادگی
- اختلاف و کشمکش میان اعضای خانواده (شکاف میان اعضای خانواده)
- تحمل زندگی بدون عشق و رابطه صمیمی
- تحمل نکردن نظرها و رفتار یکدیگر و بروز تعارض‌ها و اختلاف‌های شدید خانوادگی
- احساس تنفر نسبت به اعضای خانواده

ناسازگاری هویتی زوجین

تعریف مفهومی: اگر بخواهیم به معنای لغوی هویت توجه کنیم، تا حدی می‌توان به درک صحیحی در این زمینه رسید. در لغت‌نامه دهخدا، هویت "تشخیص" معنا شده است که میان حکما و متکلمان مشهور است (دهخدا، ۱۳۸۱: ۲۰۸۶۶). در فرهنگ معین، ذات باری تعالی، هستی، وجود و بالاخره آنچه موجب شناسایی شخص باشد، معنا شده است (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸). همچنین در فرهنگ آکسفورد، هویت به معنای چیستی و کیستی افراد معنا شده است. بنابراین، می‌توان گفت که هویت در خلاً مطرح نمی‌شود؛ بلکه در خصوص هویت، یک خود و غیر وجود دارد که از طریق آن فرد دست به شناسایی می‌زند.

در این پژوهش منظور از تعارضات هویتی، ناسازگاری در ابعاد مختلف هویتی زوجین است و به عنوان چالشی است که فرد در ابعاد گوناگون تشکیل دهنده هویت خویش با آن مواجه است و

ممکن است از تعدد یا تفاوت این ابعاد ناشی شده باشد. به عبارت دیگر تعارضات هویتی زوجین بدین معناست که هویت‌های زوجین با هم متعارض و متضاد می‌باشد.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش به طور خاص، منظور از ناسازگاری هویتی زوجین مجموع ۴ مؤلفه هویت فردی، هویت گروهی، هویت خانوادگی و هویت دینی زوجین می‌باشد. لذا اگر چه می‌توان شاخص‌های دیگری را برای سنجش ناسازگاری هویتی زوجین به کار گرفت ولی با توجه به شرایط جامعه تحقیق و هدف اصلی پژوهش تمرکز ویژه بر روی موضوعات مطرح شده می‌باشد.

اباحه‌گری عملی زوجین

تعریف مفهومی: اباحت؛ عبارت است از نداشتن اعتقاد به وجود تکلیف و روا داشتن ارتکاب محرمات. اباحتی؛ ملحدی که همه چیز را مباح شمرد و ارتکاب محرمات را روا داند (معین، ۱۳۷۶: ۱۱۶). منظور از اباحه‌گری عملی زوجین در این پژوهش بی‌توجهی زوجین به اخلاقیات و بی‌اعتنائی عملی به محرمات، منهیات و منکرات است و با شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود:

تعریف عملیاتی: اباحه‌گری عملی زوجین با شاخص‌های زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

- عدم اهتمام به اقامه نمازهای واجب، بی‌اعتنائی به روزه‌های ماه مبارک رمضان، عدم اعتقاد به پرداخت خمس و زکات و غیره.

- مصرف مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر در مهمانی‌های خانوادگی
- استماع انواع موسیقی‌های زننده
- اختلاط زن و مرد و دختر و پسر در مجالس عروسی
- عدم رعایت شئون شرعی و اخلاقی در روابط زن و مرد و دختر و پسر نامحرم
- عدم رعایت پوشش لازم در رفت و آمدهای خانوادگی و آمد و شدهای دوستانه

نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین

تعریف مفهومی: رضایتمندی زناشویی وجود رابطه‌ای دوستانه و مملو از تفاهم میان زن و شوهر است (ایمان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶). منظور از نارضایتی زناشویی زوجین هرگونه کنش متقابل بین زن و شوهر، که شامل اختلاف عقیده، خواه از نوع مثبت و خواه منفی است.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش برای سنجش نارضایتی زناشویی زوجین از پرسش‌نامه زناشویی انریچ و لی که از ۵ زیر مقیاس تشکیل می‌شود که شامل: همدلی، رضایتمندی جنسی، انجام کارها با همدیگر، عاطفه و ارتباط است که شامل ۱۰ پاسخ به صورت طیف لیکرت از کاملاً

موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. این ابزار سنجش قبلاً در پژوهش انریچ (۱۹۹۷) و لی (۱۹۹۹) استفاده شده و اعتبار آن مورد تایید قرار گرفته است.

گرایش به فرزند آوری

تعریف مفهومی: خانواده کم/ بدون فرزند به زوجی گفته می‌شود که فرزند نداشته یا فرزند کمتری باشند و در واقع منظور، گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین زوجین است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱).

تعریف عملیاتی: این متغیر با شاخص‌هایی چون: خوشبختی خانواده در گرو وجود بچه، دور ماندن از فعالیت‌های اجتماعی به‌خاطر بچه، دوری از محیط‌های پراز بچه، شروع مشکلات با تولد فرزند، افزایش فشارها و طیفی از بیماری‌ها با حضور فرزند، نشانه زندگی بودن وجود بچه، تمایل به بچه‌دار شدن تحت هر شرایطی (با عمل جراحی و ...)، بهتر شدن رابطه متقابل زوجین با وجود بچه، گرما بخش بودن فرزند در زندگی و در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

ارائه یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر آنها

توزیع پاسخ‌گویان برحسب جنس

جدول ۱: توزیع پاسخ‌گویان برحسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۲۰۰	۵۰٪
مرد	۲۰۰	۵۰٪
کل	۴۰۰	۱۰۰

جدول مربوط به متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخ‌گویان (۲۰۰ نفر) را زن و ۵۰ درصد (۲۰۰ نفر) را مرد تشکیل داده‌اند.

توزیع پاسخ‌گویان برحسب سن

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر سن

میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد
۳۸/۸۷	۸/۸۰	۱۸	۶۷	۴۰۰

همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شده است، میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۸/۸۷ سال می‌باشد. همچنین داده‌های ارائه‌شده حاکی از آن است که کمترین و بیشترین سن به ترتیب برابر ۱۸ (حداقل سن در نظر گرفته‌شده برای شرکت در تحقیق) و ۶۷ سال می‌باشد.

مطابق با داده‌های به‌دست آمده از سن پاسخ‌گویان، فراوانی سن پاسخ‌گویان در جدول شماره ۳ ارائه شده است. جدول زیر توزیع سن پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع پاسخ‌گویان برحسب سن

سن	فراوانی	درصد
۱۸-۲۷ سال	۳۴	۸/۵٪
۲۸-۳۷ سال	۱۶۰	۴۰٪
۳۸-۴۷ سال	۱۲۰	۳۰٪
۴۸-۵۷ سال	۸۳	۲۰/۸٪
بیشتر از ۵۸ سال	۳	۰/۸٪
جمع	۴۰۰	۱۰۰٪

مطابق با جدول فوق کمترین سن برابر با ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۸ سال و بالاتر بوده است. بیشتر پاسخ‌گویان نیز در مقطع سنی ۲۸-۳۷ سالگی قرار دارند.

توزیع پاسخ‌گویان برحسب مدت ازدواج

جدول ۴: توزیع پاسخ‌گویان برحسب مدت ازدواج

مدت ازدواج	فراوانی	درصد
کمتر از ۵ سال	۹۹	۲۴/۸٪
۵-۱۰ سال	۹۳	۲۳/۳٪
۱۱-۱۵ سال	۶۷	۱۶/۸٪
۱۶-۲۰ سال	۵۵	۱۳/۸٪
بالاتر از ۲۱ سال	۸۶	۲۱/۵٪
کل	۴۰۰	۱۰۰٪

جدول مربوط به متغیر مدت ازدواج نشان می‌دهد که ۲۴/۸ درصد پاسخ‌گویان کمتر از ۵ سال، ۲۳/۳ درصد پاسخ‌گویان ۵-۱۰ سال، ۱۶/۸ درصد ۱۱-۱۵ سال، ۱۳/۸ درصد ۱۶-۲۰ سال، ۲۱/۵ درصد بالاتر از ۲۱ سال است که ازدواج کرده‌اند.

توزیع پاسخ‌گویان برحسب تعداد فرزند

جدول ۵: توزیع پاسخ‌گویان برحسب تعداد فرزند

فرزند	فراوانی	درصد
ندارم	۸۲	۲۰/۵٪
۱	۱۴۴	۳۶٪

درصد	فراوانی	فرزند
۲۹/۳٪	۱۱۷	۲
۳/۸٪	۱۵	۳
۹/۸٪	۳۹	۴
۰/۵٪	۲	۵
۰/۳٪	۱	۶
۱۰۰٪	۴۰۰	کل

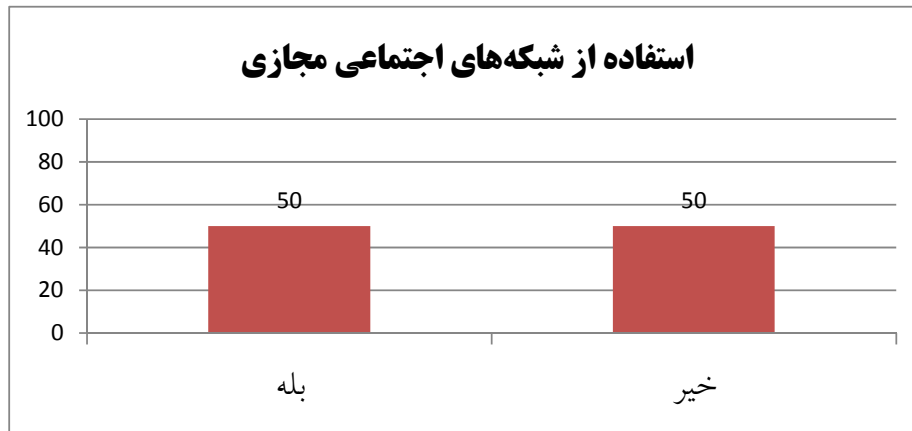
جدول مربوط به متغیر تعداد فرزند نشان می‌دهد که ۳۶ درصد پاسخ‌گویان یک فرزند دارند و بیشترین فراوانی را دارند، ۳ درصد پاسخ‌گویان نیز عنوان کرده‌اند که ۶ فرزند دارند و کمترین فراوانی را دارند.

توزیع پاسخ‌گویان بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

مطابق با داده‌های به دست آمده از استفاده از شبکه‌های اجتماعی، جدول زیر توزیع استفاده از شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

درصد	فراوانی	استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۵۰٪	۲۰۰	بله
۵۰٪	۲۰۰	خیر
۱۰۰٪	۴۰۰	جمع



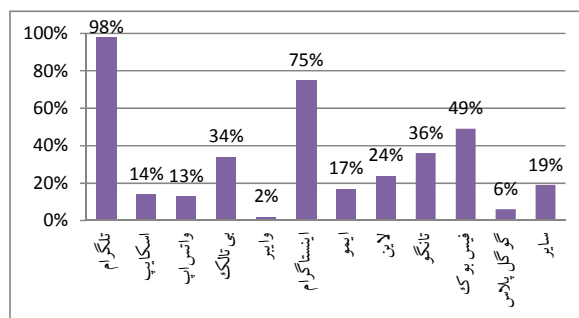
نمودار شماره (۲): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

توزیع پاسخ‌گویان بر حسب فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی مختلف مطابق با داده‌های به‌دست آمده از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی مختلف، جدول زیر توزیع فراوانی فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی مختلف را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب فعالیت در شبکه‌های مختلف

درصد	فراوانی	فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مختلف
۹۸٪	۱۹۶	تلگرام
۱۴٪	۲۹	اسکایپ
۱۳٪	۲۶	واتس‌آپ
۳۴٪	۶۹	بی‌تالک
۲٪	۴	وایبر
۷۵٪	۱۴۸	اینستاگرام
۱۷٪	۳۳	ایمو
۲۴٪	۴۸	لاین
۳۶٪	۷۲	تانگو
۴۹٪	۹۸	فیس‌بوک
۱۹٪	۳۸	سایر
۶٪	۱۱	گوگل پلاس
۱۰۰٪	۲۰۰	مجموع

مطابق با جدول فوق بیشترین فراوانی متعلق به استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام و کمترین فراوانی متعلق به استفاده از شبکه اجتماعی وایبر است.



نمودار شماره (۳): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب فعالیت در شبکه‌های مجازی مختلف

مطابق با جدول فوق بیشترین فراوانی متعلق به استفاده از تلگرام و کمترین فراوانی متعلق به استفاده از وایبر است.

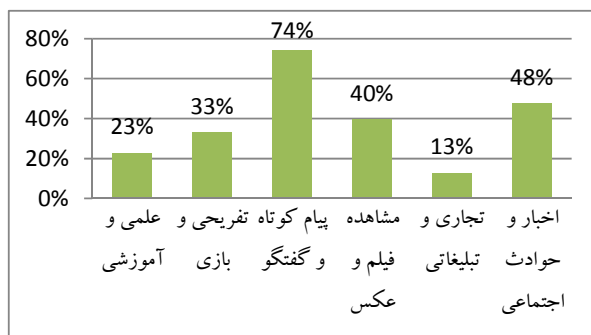
توزیع پاسخ‌گویان بر حسب نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

مطابق با داده‌های به‌دست آمده از نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، فراوانی نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۸: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی	فراوانی	درصد
علمی و آموزشی	۴۳	۲۳٪
تفریحی و بازی	۶۶	۳۳٪
پیام کوتاه و گفت‌وگو	۱۴۷	۷۴٪
مشاهده فیلم و عکس	۷۹	۴۰٪
تجاری و تبلیغاتی	۲۶	۱۳٪
اخبار و حوادث اجتماعی	۹۶	۴۸٪
مجموع	۲۰۰	۱۰۰٪

مطابق با جدول فوق بیشترین فراوانی متعلق به استفاده از پیام کوتاه و گفتگو و کمترین فراوانی متعلق به استفاده تجاری و تبلیغاتی از شبکه‌های اجتماعی است.



نمودار شماره (۴): توزیع پاسخ‌گویان بر حسب نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی

توزیع پاسخگویان بر حسب تحولات در روابط زناشویی زوجین

متغیر تحولات در روابط زناشویی زوجین از تلفیق ابعاد طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین، ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزن ساخته شده است.

جدول ۹. توزیع پاسخگویان بر حسب تحولات در روابط زناشویی زوجین

درصد	تعداد	میزان تحولات در روابط زناشویی زوجین
۲۸/۷٪	۱۱۵	کم
۳۴/۷٪	۱۳۹	متوسط
۴۱/۷٪	۱۶۷	زیاد
۱۰۰٪	۴۰۰	جمع

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران چه وضعیتی دارد. بیشترین تعداد پاسخگویان (۱۶۷ نفر و ۴۱/۷ درصد) تحولات زیادی را در روابط زناشویی تجربه کرده‌اند، همچنین ۱۱۵ نفر از پاسخگویان (۲۸/۷٪) نیز تحولات کمتری را در روابط زناشویی تجربه کرده‌اند.



نمودار شماره ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تحولات در روابط زناشویی

شاخص‌های آماری متغیر تغییرات جاری در حوزه خانواده و ابعاد آن
جدول ۱۰: شاخص‌های آماری متغیر تغییرات جاری در خانواده و ابعاد آن

تعداد	تحولات در روابط زناشویی زوجین	گرایش به فرزند آوری	طلاق عاطفی زوجین	ناسازگاری هویتی زوجین	اباحه‌گری عملی زوجین	نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین
واقعی	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰
گم شده	۰	۰	۰	۰	۰	۰
میانگین	۱/۶۵	۳/۳۲	۲/۲۸	۲/۴۹	۲/۲۶	۲/۶۲
انحراف معیار	۰/۸۹۸	۰/۷۸	۱/۶۹	۱/۶۱	۱/۵۰	۱/۶۹
واریانس	۰/۸۰۶	۰/۶۰	۲/۸۷	۲/۵۹	۲/۲۶	۲/۸۶
چولگی	۰/۷۶۰	-۵۶۴	۰/۷۸۱	۰/۵۶۶	۰/۷۸۴	-۰/۴۵۹
خطای معیار چولگی	۰/۱۲۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲
کشیدگی	-۱/۳۲۸	۰/۸۶۱	-۱/۱۹۶	۱/۳۰۴	-۱/۹۰۲	-۱/۵۰۶
خطای معیار کشیدگی	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳	۰/۲۴۳
بازه داده‌ها (دامنه تغییرات)	۲	۴	۴	۴	۴	۴
کوچکترین داده	۱	۱	۱	۱	۱	۱
بزرگترین داده	۳	۵	۵	۵	۵	۵

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود، تحولات در روابط زناشویی زوجین دارای ابعاد: گرایش به فرزند آوری، طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین می‌باشد. میانگین نمره در این متغیرها به ترتیب ۳/۳۲، ۲/۲۸، ۲/۴۹، ۲/۲۶، ۲/۶۲ است. از دیگر نتایج این جدول می‌توان به این نکته اشاره کرد که کمترین میانگین نمره مربوط به بعد اباحه‌گری عملی زوجین و بیشترین میانگین نمره مربوط به گرایش به فرزند آوری است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه دو متغیره:

بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران (طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین، ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند)، رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. به این ترتیب که رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با شاخص تحولات در روابط زناشویی زوجین و ابعاد آن بررسی شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۱. رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با تحولات در روابط زناشویی زوجین و ابعاد آن

متغیر	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		جمع
تحولات در روابط زناشویی زوجین	$r= 0/71$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	
طلاق عاطفی زوجین	$r= 0/54$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	
ناسازگاری هویتی زوجین	$r= 0/74$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	
اباحه‌گری عملی زوجین	$r= 0/69$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	
نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین	$r= 0/56$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	
ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند	$r= 0/33$	ضریب همبستگی	۴۰۰
	$sig= 0/000$	سطح معنی‌داری	

همان‌طوری که جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تحولات در روابط زناشویی زوجین در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig= 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r= 0/71$) معنی‌دار است. به این ترتیب همبستگی مثبت، با شدت قوی و با جهت مستقیم بین دو متغیر میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تحولات در روابط زناشویی زوجین وجود دارد؛ بدین‌صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد تحولات در روابط زناشویی زوجین نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد. رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی زوجین در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($sig= 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r= 0/54$) معنی‌دار است. بدین‌صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، طلاق عاطفی زوجین نیز بیشتر می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناسازگاری هویتی زوجین نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد ($sig= 0/000$) با ضریب همبستگی پیرسون ($r= 0/74$) رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. به این صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد ناسازگاری هویتی بین زوجین نیز بیشتر می‌شود.

رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی زوجین در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/69$) معنی‌دار است. به این ترتیب همبستگی مثبت، با شدت قوی و با جهت مستقیم بین دو متغیر میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی زوجین وجود دارد؛ بدین‌صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، اباحه‌گری عملی زوجین نیز بیشتر می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0/000$) با ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/56$) رابطه مستقیم معنی‌داری وجود دارد. به این صورت که هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین نیز بیشتر می‌شود. سرانجام این‌که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/33$) رابطه دارد؛ یعنی هرچه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، زوجین تمایل کمتری به فرزندآوری خواهند داشت.

فرضیه چند متغیره

آزمون‌های آماری تأثیر معناداری

- به نظر می‌رسد متغیرهای مستقل اصلی: میزان گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلگرام، اینستاگرام، لاین، تانگو، وایبر، فیسبوک، واتس‌اپ، گوگل پلاس، بی‌تالک، ایمو، اسکایپ)، بر متغیر وابسته: ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران (طلاق عاطفی زوجین، ناسازگاری هویتی زوجین، اباحه‌گری عملی زوجین، نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین، گرایش به فرزند آوری)، تأثیر معناداری داشته باشند.

به منظور تحلیل نقش متغیرهای مستقل بر روی ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین از روش رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد.

جهت مقایسه نقش متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیون بر روی متغیر وابسته از ضرایب استاندارد شده (Beta) استفاده شد. جدول (۸) یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۲. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام

ردیف	متغیر مستقل	B	SEB	Beta	sig
۱	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی X۱	۰/۵۹۰	۰/۰۷۷	۰/۴۷۸	۰/۰۰۰

$R = 0/698$ $R^2 = 0/487$ $AdjR^2 = 0/469$ $F = 12/816$ $SigF = 0/000$

ضریب همبستگی به دست آمده برابر $0/698$ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی قوی متغیرهای پیش‌بین (متغیرهای مستقل) و متغیر معیار (تحولات در روابط زناشویی زوجین) است. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل‌شده برای مدل برابر $0/469$ است و می‌توان گفت که $46/9$ درصد از تغییرات متغیر معیار را می‌توان به وسیله رابطه خطی آن با متغیرهای پیش‌بین، تعیین نمود. کمیت p به دست آمده جهت آزمون F بسیار کوچک‌تر از سطح خطای $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض H_0 مبنی بر ناهمبسته بودن متغیر معیار "تحولات در روابط زناشویی زوجین" و متغیرهای پیش‌بین (متغیرهای مستقل) در جامعه رد می‌شود و می‌توان گفت که متغیر معیار و متغیرهای پیش‌بین همبسته می‌باشند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل که با متغیر وابسته رابطه معناداری داشته‌اند، متغیرهای زیر دارای نقش معناداری بر روی متغیر وابسته بوده و به طور تعاملی $48/7$ درصد ($R^2 = 0/487$) تغییرات متغیر وابسته (تحولات در روابط زناشویی زوجین) را تبیین می‌کنند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهر تهران پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر، بر اساس رویکردهای نظری جامعه‌شناختی، تأثیرگذاری استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تغییر و تحولات به وجود آمده در روابط زناشویی زوجین را مورد بررسی قرار داده‌ایم. بر اساس نتایج پژوهش، میانگین تحولات در روابط زناشویی زوجین که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند بیش از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند. این نتیجه ضمن تأیید یافته‌های تجربی قبلی (خواجه نوری، ۱۳۸۶، محمد پور و همکاران، ۱۳۸۸) بیانگر دیدگاه بازاندیشی‌گیدنز است. یعنی افزایش اطلاعات و ارتباطات از عوامل بازنگرانه و بازاندیشانه افراد نسبت به تغییر نگرش‌های جنسی و صمیمی بین زن و مرد است. از نظر گیدنز (۱۳۸۷) روابط زناشویی زوجین تحت تأثیر مدرنیته دچار تحول شده‌اند در حالی که در فرهنگ سنتی این عناصر تابعی از جنسیت، پایگاه اجتماعی و ... بودند. مطابق با دیدگاه گیدنز می‌توان گفت روابط زناشویی زوجین تحت تأثیر نوگرایی قرار دارد و تأثیر نوگرایی ممکن است بر هر نوع رابطه‌ای، مانند پیوندهای خویشاوندی، روابط شخصی و عناصری از این دست غیر قابل انکار است. در ذیل به تبیین مهم‌ترین یافته‌های پژوهش فوق پرداخته می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه اول مشخص می‌شود که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی زوجین رابطه معنادار وجود دارد. ضرایب همبستگی پیرسون بین

استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی زوجین برابر با $(\text{Pearson Correlation} = 0/45)$ و سطح معناداری آن صفر است. بدین ترتیب در تجزیه و تحلیل آماری این فرضیه رابطه معناداری تأیید گردید و مشخص شد که طلاق عاطفی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند، بیشتر از زوجینی است که هیچ استفاده‌ای از شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌کنند. در همین زمینه نیز تحقیقاتی که در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی انجام شده است (ملک‌پور شهرکی، ۱۳۹۲ و عرب انصاری و همکاران، ۱۳۹۳) ثابت کرده زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند، میزان طلاق عاطفی در آن‌ها بیشتر است. همچنین مطابق با دیدگاه مبادله اجتماعی نای می‌توان گفت، زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی نمایند این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. بدین ترتیب زوجین با ورود به شبکه‌های اجتماعی مجازی با دنیای متفاوت و متنوعی روبه‌رو می‌شوند و ممکن است با صرف وقت زیادی در این فضا دیگر مجال پویایی عاطفی را با همسر از دست دهند و این نگرش ممکن است بر زندگی زناشویی آن‌ها نیز تسری یافته و در نتیجه سبب جدایی و عاطفی زوجین از همدیگر می‌شود.

بر اساس فرضیه دوم بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناسازگاری هویتی زوجین رابطه معناداری وجود دارد که در تجزیه و تحلیل آماری این فرضیه رابطه معناداری تأیید گردید و مشخص شد که زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده بیشتری می‌کنند، در ابعاد مختلف هویتی خود تعارضات بیشتری با همسرشان دارند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون $(0/54)$ نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ناسازگاری هویتی زوجین رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مقدار آزمون T نشان می‌دهد که ناسازگاری هویتی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند $(1,34)$ بیشتر است. این نتیجه هم راستا با تحقیقات رفعت‌جاه و شکوری (1387) ، عباس قادی (1390) ، مهدی زاده و عنبرین (1387) و احمدپور و قادرزاده (1389) عدلی‌پور (1391) کفاشی و همکاران (1393) ، بری ولمن و همکاران (2007) ، نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی عاملی تأثیرگذار بر هویت زوجین هستند و با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در این شبکه‌ها، هویت کاربران متحول می‌شود. همچنان که کاستلز بیان کرده است اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت افراد ایفا می‌کند. گیدنز نیز اینترنت و ماهواره را عامل سردرگمی و بی‌ثباتی و بی‌نظمی و در نتیجه ناسازگاری‌های هویتی قلمداد کرده است.

داده‌های این پژوهش همچنین ارتباط معناداری را میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و اباحه‌گری عملی زوجین نشان داده‌اند. بدین معنا که زوجینی که استفاده بیشتری از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌کنند نسبت به ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی بی‌تفاوت می‌شوند. این یافته تحقیق در راستای تئوری کاشت می‌باشد، چرا که بر مبنای نظریه کاشت، به هر میزان که افراد ساعات بیشتری را در معرض پیام‌های رسانه‌ای باشند، این رسانه‌ها تأثیر عمیق‌تری را در نگرش‌ها و باورهای آن‌ها خواهد گذاشت. این نتیجه با یافته‌های عرب انصاری و همکاران (۱۳۹۳)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، چراتی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد. آنچه سبب می‌شود اباحه‌گری عملی به عنوان یک آسیب اجتماعی در حوزه خانواده شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه خانواده به وجود آمده است. از جمله این موانع فضای بی‌پایان شبکه‌های اجتماعی مجازی است که وابستگی شدید به این فضا، اباحی‌گری عملی در رفتارهای زوجین را به همراه دارد. البته قابل ذکر است که به گفته گیدنز استفاده از فضای مجازی به مانند شمشیری دو لبه است که اگر از لبه انحرافش با رفتن به شبکه‌های غیر اخلاقی استفاده نمایند، باعث آسیب در زندگی زوجین خواهد شد و در واقع از بین رفتن قبح روابط غیر اخلاقی، از پیامدهای ناشی از حضور در بعضی از شبکه‌های اجتماعی مجازی آسیب‌زا است؛ زیرا با مشاهده روابط جنسی در اینترنت و از بین رفتن قبح چنین روابطی، احتمالاً نوعی بی‌تفاوتی و نارضایتی در ارتباطات زناشویی به وجود می‌آید.

نتایج به دست آمده از فرضیه چهارم نشان داد بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی پیرسون (0/50) بین دو متغیر رابطه مستقیم برقرار است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد. همچنین مقدار آزمون T نشان می‌دهد که نارضایتی از زندگی زناشویی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند (۳,۸۹) از زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند (۱,۳۵) بیشتر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های خالدی (۱۳۹۴)، همخوانی دارد. بنابراین، با استناد به نتایج می‌توان اذعان کرد که میزان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، یکی دیگر از منابع تأثیرگذار بر شکل‌گیری ایده‌ها و انتظارات مربوط به زناشویی در میان زوجین است و همین امر یکی از دلایل تعارضات و در نتیجه نارضایتی زناشویی زوجین محسوب می‌شود.

نتایج نهایی حاصل از پژوهش برای فرضیه پنجم نشان داد بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که گرایش به کاهش فرزند آوری زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند بیشتر از زوجینی است که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند. در این راستا می‌توان گفت گرایش به

خانواده‌های کم/ بدون فرزند در بین زوجین در منطقه مورد مطالعه ناشی از عوامل اجتماعی متعددی من جمله گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد. گرایش به کاهش فرزندآوری به عنوان یک مسأله اجتماعی قبل از ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به حریم خانواده‌ها وجود داشته و گرایش به شبکه‌های اجتماعی در تسریع آن نقش زیادی داشته است. به گونه‌ای که پیام‌ها و ارزش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاعه داده می‌شود در تغییر نگرش زوجین نسبت به پدیده فرزندآوری و گرایش به خانواده‌های کم/ بدون فرزند اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. مطابق با دیدگاه گیدنز، امروزه رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های فراملی تأثیر عمده‌ای بر انتخاب و تصمیم‌گیری‌های افراد دارند. به این ترتیب تصمیم‌گیری در ارتباط با رفتار باروری می‌تواند تحت تأثیر رسانه‌ها تغییر کند و اشکال جدیدی از این نوع رفتارها را در جامعه اشاعه دهد. همچنین بر حسب نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت در جوامع پیشرفته، مقوله‌هایی چون تازگی، هیجان و سرگرمی، خلاقیت، کامل شدن و نظایر آن علایق جدی زوجین برای فرزندآوری را آشکار می‌سازد. لذا ظهور خانواده‌های کم/ بدون فرزند می‌تواند به واسطه ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به حریم خانواده‌ها ارزش‌ها و نگرش‌های زوجین را در معرض تغییرات اساسی قرار دهد. بررسی‌های پیشین (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۲، محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴) نیز حاکی از وجود رابطه معنادار استفاده از بعضی از رسانه‌های نوین با کاهش گرایش به فرزند آوری است.

در مجموع، به نظر می‌رسد با وجود تأثیراتی که خانواده در دوره معاصر از شبکه‌های اجتماعی مجازی داشته است، ضرورت نگاه آسیب‌شناختی به تغییرات خانواده احساس می‌شود. در این راستا نتایج پژوهش حاضر مؤید این مسأله است که زوجین منطقه ۱ شهر تهران تحولات اساسی را در شکل و محتوا تجربه کرده‌اند و این می‌تواند ناشی از شرایط خاص اقتصادی- اجتماعی ساکنین این منطقه و احتمالاً سایر مناطق باشد. چرا که به دلیل برخورداری از موقعیت خاص اقتصادی، زوجین این منطقه دسترسی آسانی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و فناوری‌های نوین ارتباطی دارند، از این رو تأثیر پذیری بیشتری از عناصر مدرنیته گرفته‌اند. بدین ترتیب به دلیل تفاوت موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین شمال شهر تهران، ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی بین آن‌ها دچار تغییرات اساسی شده و هنجارهایشان به هنجارهای کشورهای مدرن نزدیک‌تر و این باعث افزایش تغییرات در خانواده‌ها شده است. در راستای راهکارهای مبتنی بر پژوهش فوق باید به نکات زیر اشاره کرد:

- برای کاهش طلاق عاطفی و تعمیق روابط صمیمی بین زوجین، اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی و توسعه خطوط تلفنی در راستای کاهش تعارضات، اختلافات زناشویی و ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوج‌ها مثمر ثمر خواهد بود.

- با توجه به وجود رابطه معنادار بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعارضات هویتی زوجین، مکانیسم‌های هویت‌ساز نهادهای اجتماعی باید به کمک ابزارهایی که در اختیار دارند (نظیر: خانواده، آموزش و پرورش دانشگاه‌ها و رسانه‌های داخلی) به انتقال صحیح میراث فرهنگی، تاریخی و اجتماعی به افراد جامعه و به ویژه زوجین بپردازند این امر با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح میسر می‌شود.
- با توجه به وجود رابطه معنادار بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و نارضایتی از زندگی زناشویی زوجین پیشنهاد می‌شود به شرکت در کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی با محوریت با خانواده و مهارت‌های مربوط به زندگی زناشویی توجه بیشتری شود، کسب این گونه مهارت‌ها به شناخت هر چه بیشتر زوجین نسبت به یکدیگر کمک می‌کند، برقراری رابطه‌ای سالم، متعادل و رضایت زناشویی را موجب می‌شود و توانایی‌های افراد را در مواجهه با تعارضات بین فردی، مشکلات و مسائل افزایش می‌دهد.
- به‌منظور تغییر نگرش زوجین نسبت به اهمیت فرزندآوری و تغییرات صورت گرفته در این زمینه مدیران رسانه‌ای بایستی توجه بیشتری به سبک‌های زندگی زوجین و تغییرات نگرشی و عملی حاصل از آن در تغییر رفتار باروری داشته باشند.
- به‌منظور جلوگیری از گسترش اباحه‌گری عملی زوجین می‌توان برنامه‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی مجازی پر کاربرد برای جامعه هدف تدوین و از طریق به اشاعه ارزش‌های اخلاقی اقدام کرد.

منابع

- ایمان، محمد تقی، یادعلی جمالویی، زهرا و محسن زهری (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی* دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ششم، شماره ۱۷.
- ستیل، لیز و کید، وارن (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*، ترجمه، فریبا سیدان و افسانه کمالی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- تامپسون، جان بروکشایر (۱۳۸۰)، *نظریه اجتماعی رسانه‌ها*، ترجمه: مسعود اوحدی. تهران: سروش.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*. ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵)، تأثیر فرآیند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی نمونه مورد مطالعه: زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان. *مجله علوم اجتماعی* دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۱)، *لغت نامه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- ریاحی، محمد اسماعیل و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی میزان رضایتمندی از رابطه زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک، *فصلنامه حیات*، سال نهم، شماره ۱۹.
- ساروخانی، باقر و عالیه شکر بیگی. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی ارتباطات در جهان معاصر*، تهران: بهمن برنا.
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۸)، *شبکه‌های علمی مجازی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عدلی‌پور، صمد و وحید قاسمی. (۱۳۹۱)، تأثیر شبکه اجتماعی فیسبوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱.
- عباسی قادی، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی، (۱۳۹۰)، *تأثیر اینترنت بر هویت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه: احد علیقلیان؛ افشین خاکباز. ج اول. تهران: طرح نو.
- کلانتری، صمد، عباس‌زاده، محمد، امین مظفری، فاروق و ندا راکعی بناب (۱۳۸۹)، بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۳۷. شماره اول.
- گنجی، محمد، محسن نیازی و علیرضا ملک‌پور (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهرکرد، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره چهارم، شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص در جامعه جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۳)، *خانواده در قرن بیست و یکم*، تهران: نشر علم.
- محمد پور، احمد (۱۳۸۶)، "بررسی معنایی توسعه و تغییرات اجتماعی در منطقه اورامان"، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی. دانشگاه شیراز.
- محمد پور، احمد، صادقی، رسول، رضایی، مهدی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸)، "سنت، نوسازی و خانواده" مطالعه مداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی. *پژوهش زنان*، دوره هفتم، شماره ۴.
- معین، محمد (۱۳۷۶)، *فرهنگ معین*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چ یازدهم.
- ولمن، بری و کوان هاس، آنتونی (۱۳۸۵)، *شبکه‌های اجتماعی*، مشارکت و تعهد اجتماعی، ترجمه: شیرزاد فلاح آزاد. تهران: فرهنگ و فناوری.
- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶)، *درک تئوری رسانه‌ها*، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران: نشر ساقی.
- Castells, Manuel (2007), "Communication, Power and Counter-power in the Network Society". *International Journal of Communication*, Vol. 1, 2007, pp. 238-266.

- Fallows, Deborah. (2004), *The internet and daily life*, A variable at. www.pewinternet. Org.
- Jayakody, R, A. Thornton, and, W. Axinn. (2007), *International family change. Ideational perspectives*. New York. Taylor and francis group. LLC.
- Katz, J. E. & Aspden, P. (1997), A nation of strangers? *Communications of the ACM*, 40(12), 81-86.
- Kenear, P. (2004), *New Family for New Time*, London: Allyn and Bacon.
- Kraut, R, Lundmark, v, Patterson, M, Kislner, S, and Mukapadhyay, T. (1998), Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological well-being? *American Psychologist*, 53:1017-1031.